



آیت‌الله العظمی آقا محمد تقی مصباحی‌مقدم

همیشه وقتی سخن از بزرگان می‌شود، صحبت از سخنان گهربار و پندآموز نیز هست؛ سخنانی که گاهی دراصطلاح به آن حکمت می‌گویند. درباره کلمه حکمت گفته شده است حکمت به معنای علم باارزشی است که همراه با عمل باشد. حکمت در فرهنگ‌های گوناگون به‌کار می‌رود و در قرآن، حدیث، فلسفه، تصوف و عرفان اسلامی درباره آن بحث شده است. معادل فارسی حکمت، فرزانه‌گی است و به شخص حکیم، فرزانه می‌گویند.

درواقع حکمت همان سخن محکمی است که پشتوانه منطقی و عقلانی داشته باشد و عمیق و دقیق باشد. نکته بعدی این است که غالباً اشخاصی که صاحب این حکمت هستند، سر کلاس درس این حکمت را نیاموخته‌اند، بلکه از مسیر دیگری به آن دست یافته‌اند. در روایات ما درباره راه‌های به‌دست آوردن حکمت سخن گفته شده است.

قال الرضا^(ع)؛ «الصَّمْتُ باثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ، إِنْ الصَّمْتُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ، إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ امام رضا^(ع) فرمودند: سکوت، دری از درهای حکمت است. همانا سکوت مهرآور است، چراکه بر هر نیکی رهنماست.» اولین دستورالعملی که عرفاوبزرگان دینی برای رسیدن به حکمت برآن تأکید می‌کنند، سکوت و پرهیز از زیاد سخن گفتن و زیادی گفتار است، زیرا هرکه کمتر حرف می‌زند، اطراف خود را بهتر می‌بیند و می‌شناسد و بیشتر اهل اندیشه و تأمل خواهد بود.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَزْبَعِينَ صَبَاحاً ظَهَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ».

کسی که چهل صبح خودش را برای خدای خود خالص کند، چشمه‌های حکمت از دل او بر زبانش جاری می‌شود.»

گاهی هم در مورد علم در احادیث گفته شده است که علم واقعی با تعلیم و تعلم به‌دست نمی‌آید، بلکه این علم، نوری است که خدای بزرگ در قلب هرکه بخواهد، قرار می‌دهد و منظور از این علم الهی، سطحی از همین حکمت است.

بحث بعدی این است که مؤمن برای اینکه پیوسته به‌دنبال آموختن با هدف رشد و هدایت است، همیشه درپی این حکمت می‌رود؛ امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ التَّقَايِ؛ و فرمود: حکمت گم شده مؤمن است، پس حکمت را فراگیر، هرچند از زبان منافقان باشد.»

یعنی دنبال حرف درست باید بود و حرف صحیح را باید گرفت و عمل کرد؛ هرچند در زبان و عمل افراد نادرست و منحرف باشد.

در حکمت دیگری حضرت امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «خُذِ الْحِكْمَةَ أَلْفًا كَانَتْ؛ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُتَّقِي، فَتُخْلَجُ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ فَتَشْكُرَ إِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ؛ حکمت را در هرگاه که باشد، فراگیر که گاه در سینه منافق باشد و در آنجا آرام نگیرد تا بیرون آید و با همانندان خود در سینه مؤمن جای گیرد.» یکی از زیبایی‌های زندگی مؤمن، همین تشنه حرف حق بودن و انقیاد دربرابر سخنان درست و حکمت‌آمیز است که این امر موجب می‌شود بین افرادی که او را می‌شناسند، محبوب شود.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که توفیق عبادت و بندگی خودش را به ما عنایت کند و در همین مسیر، قلب ما را ظرف علم حقیقی قرار بدهد.

طیبه اشرفی| ادب یکی از اوصاف و فضایل شایسته انسانی است که حکم زینت را برای او دارد و نه‌تنها در آموزه‌های دینی بلکه در فرهنگ و ادبیات ما هم به آن توصیه بسیار شده است و می‌گویند: «ادب مرد به ز دولت اوست». آموزه‌های حدیثی و روایی اهل‌بیت^(ع) نیز برای ادب، شأنی ویژه قائل هستند و بر آن تأکید می‌کنند. تعدادی از احادیث مرتبط با این ویژگی را در ادامه مرور می‌کنیم.

امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌فرمایند: «ادب. کمال انسان است» (غررالحکم: ۹۹۸) و نیز از ایشان است که: «بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به میراث می‌گذارند، ادب است» (غررالحکم: ۵۰۳۶). ایشان همچنین، ادب نیکو را بهترین پشتیبان و برترین هم‌نشین معرفی می‌کنند.

آن امام همام فرمودند: «قلب را با ادب، فروزان کن؛ همچنان که آتش با هیمة برافروخته می‌شود» (تحف‌العقول: ۸۰).

ادب جلوه‌های متعددی دارد. امام‌صادق^(ع) در حدیثی به برخی از آن‌ها اشاره کرده. می‌فرمایند: «پدرم سه ادب به من آموخت... به من فرمود: بسرم! هرکه با دوست بد هم‌نشینی کند، سالم نمی‌ماند و هرکه گفتار خود را مهار نکند، پشیمان می‌شود و هرکه به جاهای بد درآید، آماج تهمت و بدگمانی می‌شود» (تحف‌العقول: ۳۷۶).

ایشان هم مانند جدشان، امیرالمؤمنین^(ع)، ادب را بهترین میراث برای فرزندان می‌دانند و تأکید می‌کنند: «بهترین میراثی که پدران برای فرزندان می‌گذارند، ادب است نه ثروت؛ زیرا ثروت می‌رود و ادب می‌ماند» (الکافی: ۱۵۰/۸، ۱۳۲/۱).

امام علی^(ع) هم مصادیقی از ادب را بیان کرده‌اند؛ مثل اینکه می‌فرمایند: «نیکوترین ادب آن است که تو را از حرام‌ها بازدارد» (غررالحکم: ۳۲۹۸). حضرت امیر^(ع) همچنین راستگویی و پرهیز از دروغ و خویشتن‌داری در بیم و امید را از جلوه‌های زیبای ادب معرفی می‌کنند. (غررالحکم: ۵۹۳۲).

امام علی^(ع) بی‌ادبی را دارای عواقب سوء دانسته، می‌فرمایند: «کسی که ادب ندارد، شرافت خانوادگی‌اش تباه است» (تحف‌العقول: ۹۶) و نیز تأکید می‌کنند: «کسی که ادبش کم باشد، بدی هایش بسیار می‌شود» (غررالحکم: ۸۰۸۹).

روایات، راه آراسته شدن به ادب را هم به ما یاد داده‌اند؛ امام‌علی^(ع) در این باره می‌فرمایند: «با دانشمندان هم‌نشینی کن تا بر دانش افزوده و ادبیت، نیکو و جانت پاکیزه‌شود» (غررالحکم: ۴۷۸۶). ایشان همچنین تأکید می‌کنند: «هیچ چیزی مانند صبر و شکیبایی، فرجامی نیک و پایانی دلپذیر ندارد و بی‌ادبی را دفع نمی‌کند و در رسیدن به مقصود یاری نمی‌رساند» (بحارالانوار: ۵۹/۷/۷۸).

امام‌رضا^(ع) نیز درباره آراستگی به زینت ادب می‌فرمایند: «خرد، هدیه‌ای الهی است اما ادب، با کوشش به‌دست می‌آید. پس کسی که برای کسب ادب بکوشد، آن را فراچنگ می‌آورد و آن که برای کسب خرد زحمت کشد، جز بر نادانی خود نمی‌افزاید» (بحارالانوار: ۴۳/۳۴۲/۷۸).

روایات بر آموختن ادب به فرزندان هم توصیه‌های بسیار دارند. پیامبر(ص) در این باره می‌فرمایند: «به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید» (بحارالانوار: ۴۴/۹۵/۱۰۴) و نیز از ایشان است که: «هرکه دختری داشته باشد و خوب تربیتش کند و او را به خوبی دانش بیاموزد و از نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرده است به‌وفور بهره‌مندش سازد، آن دختر، سیر و پوشش پدر دربرابر آتش دوزخ خواهد بود» (کنزالعمال: ۴۵۳۹۱).

امام علی^(ع) به امام‌حسن^(ع) فرمودند: «دل نوجوان همچون زمین خالی است که هرچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد، از این رو من پیش از آنکه دلت سخت و فکرت مشغول شود، به تادیب و تربیت تو پرداختم» (نهج‌البلاغه: نامه ۳۱).



درغم وشادی گره‌گشای هم باشیم

آمنه مستقیمی| بیشتر ما عادت کرده‌ایم برای حل مشکلات و گرفتاری‌ها، راه‌های پریپیچ‌وخم را انتخاب کنیم و هرچه به راه سخت‌تر فکر می‌کنیم، جواب بهتری دریافت خواهیم کرد. درحالی‌که توصیه‌های کوتاه اما پرمغز روایات، راه‌حل آسان بسیاری از مشکلات را به ما نشان می‌دهند. در چهارشنبه‌ای امام‌رضایی و در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین عباس جعفری‌فراهانی، رئیس گروه مطالعات بنیادی مجمع جهانی اهل‌بیت^(ع)، به یکی از این آموزه‌ها پرداخته‌ایم.

درغم و

شادی کنارهم باشیم

نوع دیگر از غم‌گشایی و گره‌گشایی از مؤمنان، جنبه معنوی و غیرمادی دارد؛ مثل دل‌داری و تسلی‌دادن در مصیبت‌ها، تشویق به‌صوری و توسل و توکل، امید دادن‌ها در شرایط سخت، انگیزه بخشیدن در بحران‌ها، همدردی و همدلی که باعث امیدواری و استقامت و مانع از آن می‌شود که افراد جامعه در برخورد با مشکلات، خود را بیازند. این همان اتفاقی است که در جنگ غزه رخ داد و بالاخره همدلی‌ها و مقاومت‌ها نتیجه داد.

از مظلومان دفاع کنیم

نوع دیگر گره‌گشایی از دیگران، کمک به رفع ظلم است. ممکن است فرد یا افرادی مظلوم واقع شده باشند و اموال و حقشان غصب شده باشد که اینجا انسان می‌تواند با حضور در دادگاه و شهادت صحیح یا همراهی در مبارزه با ظالم، به رفع این ظلم کمک کند، گره‌گشایی، در عفو و بخشش نیز بروز و ظهور دارد؛ مثل گذشت از مقصران جرائم مالی و غیرعمد و تلاش برای گرفتن رضایت از شاکیان آن‌ها که آثار اجتماعی و خانوادگی مهمی دارد و انسان را مشمول این حدیث امام‌رضا^(ع) می‌کند.

گره‌گشایی،

کاری عجیب‌وغریب نیست

باید توجه داشت برای گره‌گشایی از دیگران و قرارگرفتن در دایره شمول این حدیث رضوی، حتماً لازم نیست کارهای بزرگ و خارق‌العاده انجام بدهیم، گاه‌کمک به عبور یک کودک یا سالمند از خیابان، تهیه مایحتاج اهالی سالمند محله و همسایگان، حضور در مراسم ترحیم و تسلی‌دادن به مصیبت‌دیدگان و فاتحه‌خوانی، مشارکت در جشن‌های مردمی و ابزار خوشحالی و امید دادن به یکدیگر و پرهیز از پیمپاز یأس و ناامیدی، جزو گره‌گشایی‌هایی است که از نگاه اسلام و ائمه^(ع)، آثار فراوان فردی و اجتماعی دارد.

جلوه‌های

گره‌گشایی‌مادی

ممکن است گره‌گشایی از مؤمنان در ادای قرض و دیون باشد یا کمک به تهیه و تأمین اجاره‌بها و ودیعه مسکن برای مستأجران که بسیار در جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها مؤثر است و رحمت و رضای خدا را در پی دارد. گره‌گشایی‌های اقتصادی از یکدیگر، هم جلوی گناه و اشتباه را می‌گیرد، هم از آسیب‌های اجتماعی ناشی از گناهان و خطاها جلوگیری می‌کند. همین ابواب رحمت خدا را هم در دنیا و هم در آخرت به روی انسان باز می‌کند؛ نمونه مهم این غم‌گشایی از مؤمنان را درمیان ایرانی‌ها برای مردم مظلوم غزه ولبنان شاهد بودیم.



حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری‌فراهانی برای رساندن افراد جامعه به باور و عمل به این حدیث امام‌رضا^(ع)، باید در همه عرصه‌ها و اقشار فرهنگ‌سازی شود

راهگشایی

امام جماعت

در خانواده هم اگر مشکل و اختلافی وجود دارد، خوب است دیگر اعضا میانه را بگیرند و با راهکارهای دینی، درصدد رفع مشکلات درون خانوادگی و فامیلی برمایند و صمیمیت را برقرار کنند. در این میان، مسجد و مسجدهی‌هایی می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. مسجد از مهم‌ترین پایگاه‌ها برای حضور مؤمنان، اطلاع آنان از مشکلات یکدیگر و کمک به رفع آن‌هاست. در این میان امام جماعت نقش مهمی دارد و می‌تواند ظرفیت مسجدی‌ها را پای کار گره‌گشایی از اهالی محله و مسجد بیاورد.

از هم

گره‌گشایی‌کنید

آموزه‌های امام‌رضا^(ع) که در قالب احادیث و برخی کتاب‌ها به ما رسیده است، محصور در زمان حیات ایشان نیست، بالعکس نقشه راهی است که تا قیامت برای انتخاب مسیر صحیح به ما کمک می‌کند، مثل این روایت که از امام علی بن موسی‌الرضا^(ع) در کتاب‌های حدیث وارد شده است و حضرت فرموده‌اند: «هرکه از مؤمنی مشکلی را بگشاید، خداوند از قلب او در قیامت، گره‌گشایی می‌کند». این جمله، تأکید حضرت بر ایجاد فرج و گشایش در امور مؤمنان را نشان می‌دهد.

فرج، هم

مادی است هم معنوی

معمولاً از فرج به غم‌گشایی و کاستن غم دیگران تعبیر شده است که می‌تواند جنبه‌های مادی و غیرمادی داشته باشد؛ یعنی ممکن است زمانی کمک به رفع مشکلات مالی و اقتصادی مثل تأمین مخارج زندگی و معیشت، یا تأمین هزینه‌های تحصیل دانش‌آموزان محروم باشد و زمانی دیگر، کمک به تشکیل خانواده و ازدواج جوانان بی‌بضاعت و گاه هم جنبه‌های غیرمادی داشته باشد؛ چون هستند مواقعی که پول و کمک مالی به‌کار نمی‌آید و برای رفع مشکلات، راهکارهای دیگر لازم است.

فرهنگ

گره‌گشایی

برای رساندن افراد جامعه به باور و عمل به این حدیث امام‌رضا^(ع)، باید در همه عرصه‌ها و اقشار فرهنگ‌سازی شود و از اتفاقات مبارکی که با گره‌گشایی از دیگران رخ می‌دهد، بیگوییم. همه محیط‌ها اعم از بازار، ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و... می‌توانند بستر این فرهنگ‌سازی باشند؛ برای مثال در یک اداره اگر برای یکی از همکاران مشکل مالی بایبماری و... پیش‌آمد، دیگران می‌توانند کمک کنند و هم به او دل‌داری دهند و خیالش را از نگذارند کار‌ها زمین بماند.

روشنا

پیامبرگرامی اسلام (ص)

أَعْلَمُ امْتَنَى مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

احکام

معنای «جایز نیست» در احکام

پیرش: در مسائل شرعی و فقه مصطلح، به این بیان می‌شود «جایز نیست»، یعنی حرام است؟ یا به معنای مکروه می‌باشد؟ **پاسخ اجصالی:** اصطلاح «جایز نیست» در مسائل شرعی و فقه مصطلح، به این معناست که مکلف در مقام عمل، نباید فعل مدنظر را انجام دهد و از این نظر با اصطلاح حرام فرقی ندارد، بنابراین «جایز نیست»، به معنای مکروه بودن کار نیست، بلکه به معنای حرمت آن است. البته، در برخی مواظ اخلاقی که این اصطلاح به‌کار گرفته می‌شود، به معنای

حرمت نیست، بلکه شاید همان معنای مکروه بودن را داشته باشد و در پاره‌ای از مواقع نیز ممکن است معنای آن عدم‌صحت باشد.